■ شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۹
■ سال بیست و ششم
■ شماره ۷۴۳۵

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir
ایران

یادداشت

تغییر در گروه اقدام ایران؛ شکست یا تغییر در سیاست امریکا؟

ایمان اسدی
کارشناس سیاست خارجی

انتصاب برایان هوک به عنوان نماینده ویژه امریکا در امور ایران، با تأسیس گروه اقدام ایران همزمان شد و او که از دوره رکس تیلرسون در وزارت خارجه امریکا بود، روی پرونده ایران متمرکز شد. این گروه پس از اعلام راهبرد ترامپ علیه ایران در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ مقارن با ۲۱ مهر ماه سال ۹۶، و به تبع آن خروج یکجانبه امریکا از برجام، در میانه بازگشت تحریم‌ها علیه ایران و به عنوان هماهنگ‌کننده بخش‌های مختلف حاکمیت امریکا در قبال تحریم ایران و ایجاد اجماع در سطح بین‌الملل برای اجرای سختگیرانه تحریم‌ها به وجود آمد. در آن برهه، هماهنگ‌سازی اقدامات آشکار علیه ایران را گروه اقدام ایران وزارت خارجه امریکا به ریاست برایان هوک عهده‌دار شد و هماهنگ‌سازی اقدامات پنهان نیز برعهده مرکز عملیات ایرانِ سازمان اطلاعات مرکزی امریکا به ریاست «مایکل دی آندریا» قرار گرفت. مدتی پس از آن، با شروع اعتراضات و ناآرامی‌ها در ونزوئلا، امریکا «الیوت آبرامز» را نیز به عنوان نماینده ویژه در امور ونزوئلا منصوب کرد. در همان برهه، مقایسه‌هایی بین این دو شخصیت و کشورهای ایران و ونزوئلا صورت گرفت.

برایان هوک سابقه کار دیپلماتیک و عضویت در هیأت نمایندگی امریکا در سازمان ملل را در پرونده خود داشت، آن هم در دوره‌ای که موضوع قطعنامه‌های تحریمی ضد ایرانی شورای امنیت و کمیته تحریم ایران در شورای امنیت داغ بوده است و گزینه مناسبی برای اجماع‌سازی جهانی حول راهبرد فشار حداکثری اقتصادی علیه ایران بوده و همانطور که خود هوک بارها تأکید کرده بود. در پایان این مسیر ایران یا باید به میز مذاکره برگردد و یا فروپاشی اقتصادی خود را تجربه نماید. وی به لحاظ فکری و اندیشه‌ای چیزی از خود بروز نداده و بیشتر به عنوان یک شخصیت پراگماتیست برای اجرای منویات هیأت حاکمه امریکا شناخته شد. اما الیوت آبرامز، از اوایل دهه نود میلادی، در اتخاذ و پیاده‌سازی راهبردهای ضد چپگرایان در امریکای لاتین فعال بوده است و در پروژه‌های مختلفی مانند ایران کنترا در نیکاراگوئه، قتل عام مردم الموزوته السالوادور و دفاع از دیکتاتور گواتمالا «ریوس مونت» و کودتا علیه هوگو چاوز، رئیس جمهوری پیشین ونزوئلا نقش داشته است. با سابقه براندازی و کودتا، انتخاب وی به عنوان نماینده ویژه در ونزوئلا، صرفاً با هدف سرنگونی دولت مادورو صورت گرفت. نطق‌های آبرامز نیز از همان ابتدا بر مدار کناره‌گیری مادورو از حکومت استوار بود.

حال در کمال ناباوری، با کناره‌گیری برایان هوک، نماینده امریکا در امور ایران، الیوت آبرامز جایگزین وی شده است و پس از دو سال از خروج امریکا از برجام، پرونده ایران را در دست گرفته است. در رابطه با ماهیت و پیامدهای این تغییر نکاتی وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم؛

● اولین پیام کناره‌گیری برایان هوک، فارغ از خودخواستگی یا دگرخواستگی این استعفا، همان‌گونه که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران بین‌المللی نیز بدان اذعان داشتند، عدم توفیق امریکا در راهبرد فشار حداکثری علیه ایران بوده است. هدف اعلامی این راهبرد علیه ایران که بارها توسط مقامات کاخ سفید اعلام شد، فشار بر ایران برای وادارسازی این کشور به پذیرش توافق جامع و مد نظر امریکا بوده است. در واقع مسیر اصلی امریکا برای رسیدن به توافق مطلوب ترامپ، که مؤلفه‌های چنین توافقی در سخنرانی مایک پمپئو در بنیاد هریتیج به صورت جزئی در قالب شروط ۱۲گانه مطرح گردید. حال پس از گذشت قریب به سه سال از شروع راهبرد امریکا علیه ایران، هیچ توافقی بین دو کشور حاصل نشده است و همانطور که حتی جیسون رضائیان نیز بدان اعتراف کرد، این کناره‌گیری به معنای مرگ راهبرد فشار حداکثری امریکا علیه ایران است.

● با وجود اینکه بیش از ۵۰ کشور، اعلام خودخوانده ریاست خوان گوایدو در ونزوئلا را به رسمیت شناختند و در ابتدای شروع اعتراضات در ونزوئلا، به خیابان آمدن میلیونی مخالفان آبی‌پوش، زبانزد رسانه‌ها و افکار عمومی جهانی شد و حتی مقامات امریکا در کلمبیا با رهبران مخالفان دیدار کردند و در قالب کمک‌های آژانس یو اس اید، برای مخالفان کمک‌های متعددی ارسال شد، ولی الیوت آبرامز نیز همانند برایان هوک، در اجرای مأموریت خود به صورت کامل شکست خورد و هیچ توفیقی در ونزوئلا به دست نیاورد و نقطه تاریکی در پرونده اقدامات دیپلماتیک و براندازانه وی ثبت شد. حال یک فرد شکست خورده، جایگزین فرد شکست خورده دیگری شده است.

● راهبرد امریکا در قبال ایران از فاز براندازی عبور کرده است و حتی اگر در ابتدای شروع این راهبرد، چنین قصدی در ذهن مقامات کاخ سفید بود و آن را در گفتار پنهان می‌کردند، در این برهه زمانی و حداقل در فرصت محدود باقی مانده تا انتخابات، چنین برنامه‌ای ندارد، چرا که مطمئن است امکانی برای آن وجود ندارد و امریکا هم توانی برای تحقق این هدف ندارد. در این شرایط و زمان کم باقی‌مانده تا انتخابات ریاست جمهوری امریکا، کاخ سفید به توافق نیاز بیشتری دارد تا براندازی و اساساً توافق بسیار در دسترس‌تر از براندازی است. در این حال، انتخاب فردی که مهم‌ترین سابقه وی کمک به براندازی و کودتا بوده است به عنوان نماینده امریکا در کشوری که امریکا امکان و توانایی برای براندازی و کودتا در آن ندارد، هیچ پیامی جز گیجی و استیصال مقامات کاخ سفید در قبال ایران ندارد.

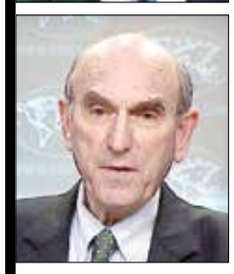

● سابقه فعالیت‌های الیوت آبرامز عمدتاً بر امریکای لاتین استوار بوده و هنر وی جنبش‌ها و حرکت‌های ضد چپگرایی بوده است. این در حالی است که مورد ایران دارای تفاوت‌های ماهوی و شکلی بسیار زیادی با امریکای لاتین و جنبش‌های چپگرایی است و حتی اگر هدف امریکا با چنین انتخابی، تحریک اعتراضات مردمی و گسترش اعتصابات و در نهایت دامن زدن به ناآرامی و آشوب در ایران باشد، انتخاب چنین فردی، نشان از خالی بودن مشت مقامات کاخ سفید در قبال ایران است. چرا که در این برهه زمانی و همزمان با ارسال پالس‌های مختلف برای مذاکره در آستانه انتخابات ریاست جمهوری امریکا و با توجه به بحران‌های متعدد داخلی پیش روی رئیس جمهوری امریکا، این کشور به شدت به دنبال دستاوردسازی در حوزه سیاست خارجی است تا جایی که همان‌طور که مایک پمپئو نیز اخیراً اعتراف کرد، رئیس جمهوری این کشور برای بشار اسد رئیس جمهوری سوریه نامه ارسال کرده و درخواست مذاکره با موضوع آزادی زندانیان را داشته است. اینها همه نشان از تلاش زمامداران کاخ سفید برای کسب توافقات خارجی در آستانه انتخابات است و طبعاً در چنین شرایطی امریکا می‌توانست با انتخاب فردی موجه، دستاوردسازی خارجی خود را تسهیل بخشد و چنین انتخابی نمایانگر، پریشانی، بی برنامگی و ناکامی در اجرای راهبرد فشار حداکثری علیه ایران است.

بعضاً ادعا می‌شود امریکا با چنین انتخابی، قصد داشته پالس و سیگنال براندازی برای ایران ارسال نماید تا موضع عدم مذاکره ایران را در آستانه انتخابات نرم و موجبات دستاوردسازی خارجی خود با موضوع ایران را تسهیل کند. اما غافل از اینکه موضوع ایران برای امریکا یک سوژه بسیار حیاتی و مهم شده است و در این سه سال، بخش قابل توجهی از وقت مقامات کاخ سفید بدان اختصاص یافته است و این ناکامی و عدم توفیق در پرونده ایران، خود یکی از مهم‌ترین پاشنه آشیل‌های ترامپ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری است که چنین انتخاب نامناسبی نیز این ناکامی امریکا را بیشتر نمایش می‌دهد. چنین انتخابی بیش از هر چیز نشان از شکست راهبرد امریکا در قبال ایران است؛ امریکا با چنین انتخابی به دنبال دادن آدرس غلط، برای سرپوش گذاشتن بر این شکست بوده است.

امیر حاتمی در گفت‌وگو با «ایران» از توانمندی‌های دفاعی و صنعتی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می‌گوید

صنایع دفاعی با ۵۷۰۰ شرکت خصوصی طرف قرارداد است

برد موشک‌ها را بر اساس سیاست‌های کشور در ۲۰۰۰ کیلومتر محدود کرده‌ایم

مرتضی گل‌پور
خبرنگار حوزه دولت

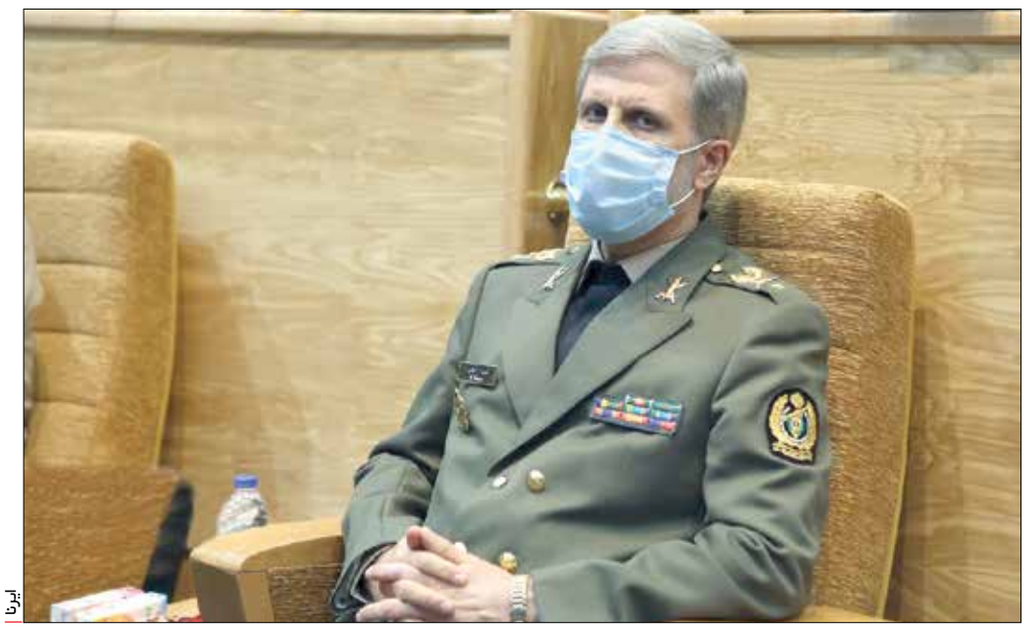

ایرنا

کمتر کشوری مانند ایران می‌توان یافت که حوزه نظامی تا این اندازه از سوی جریان‌های سیاسی مورد مناقشه قرار گیرد. این مناقشه از دو سو است؛ عده‌ای منتقد دولت هستند و بر این اساس دولت را به بی‌توجهی به حوزه دفاعی متهم می‌کنند، عده‌ای هم منتقد اقدامات دفاعی و نظامی ایران. از پاسخ‌های وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به «ایران» بویژه از پاسخ او در زمینه تصمیم‌گیری برای رزمایش‌ها یا توان موشکی و دفاعی ما، می‌توان دریافت که عمده این مناقشه‌ها ناشی از بی‌توجهی به سازوکارهای قانونی کشور در زمینه نظامی و دفاعی است. به عبارت دیگر، تصمیم برای رزمایش‌ها، تأمین نیازهای دفاعی یا حتی حمله موشکی به پایگاه موشکی عین‌الاسد در عراق، طی یک سازوکار قانونی و عمدتاً در سطح شورای عالی امنیت ملی اتفاق می‌افتد. باوجود این، وزیر دفاع در این گفت‌وگو پاسخ داده است که برخلاف دیدگاه منتقدان، در زمینه تأمین بودجه، بیش از ۱۰۰ درصد پیش‌بینی شده در برنامه‌ها، شاهد تخصیص به این بخش بودیم. امیر حاتمی، همچنین درباره حضور صنایع دفاعی در دیگر بخش‌های صنعتی هم توضیح داد که این تلاش‌ها با بهره‌گیری از توان بخش خصوصی اتفاق می‌افتد که او به رقم ۱۳ هزار میلیارد تومان در این باره اشاره می‌کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، پاسخ‌های امیر حاتمی به پرسش‌های مکتوب «ایران» درباره دیگر موضوعات دفاعی و نظامی ایران است.

■ امروز تولیدات وزارت دفاع از صنایع نظامی تا پزشکی و صنعتی مانند باتری خودرو را شامل می‌شود. علت این تنوع پژوهش و تولید ناشی از چیست و نیازسنجی‌های این تحقیقات و تولیدات بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟

تأمین تجهیزات نیروهای مسلح یکی از مأموریت‌های اصلی وزارت دفاع است که شامل تأمین منابع خارجی و داخلی و تولید می‌شود که بخش تولید به عهده صنایع دفاعی است. صنایع دفاعی امروز مبتنی بر حوزه‌های رزم تخصصی شده‌اند. تعداد کشورهایی که بتوانند بیش از ۹۰ درصد نیازهای تجهیزاتی و تسلیحاتی نیروهای مسلح را در داخل و به صورت بومی تولید کنند، قطعاً کمتر از تعداد انگشتان دست است که جمهوری اسلامی ایران از آن جمله به شمار می‌رود. این شرایط مبتنی بر ضرورت ویژه تحمیل شرایط تحریم اتفاق افتاده است، هرچند از بدو پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام(ره) بر خودکفایی بویژه در حوزه دفاعی تأکید داشتند. در این میان ورود صنعت دفاعی به حوزه‌های غیرنظامی که البته محدود است، به چند دلیل صورت گرفته است؛ اولاً بهره‌گیری از امکانات نیروهای مسلح از سوی دولت در زمان صلح در حوزه‌های غیرنظامی مبتنی بر شرایطی، در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. ثانیاً بخشی از خطوط دارای ظرفیت مازاد هستند و به عنوان سرمایه ملی بهره‌گیری از آنها یک وظیفه است. ثالثاً در شرایط تحریم که با فشار امریکا بسیاری از کشورهای خارجی کشور را ترک کرده‌اند و زمانی که رونق تولید و جهش تولید مورد تأکید خاص مقام معظم رهبری است، ورود صنایع دفاعی با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالای علمی-فناورانه امری ضروری است. نهایتاً اینکه وزارت دفاع یک اصل را همواره مورد توجه قرار داده که در این شرایط ضمن پرهیز از جایگزینی با بخش خصوصی در جایی که آنها ظرفیت دارند، وارد نشود و با شناسایی نیازها و ضرورت‌ها برای کمک وارد شود که البته ممکن است در جاهایی ناخواسته امکان رعایت کامل چنین اصلی هم نباشد و در عین حال بخش قابل توجهی از تولیدات سازمان‌های صنعتی وزارت دفاع با مشارکت بخش خصوصی صورت می‌گیرد.

■ در زمینه کرونا وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هم در زمینه تولید ماسک و هم تجهیزات تست این بیماری فعال بود که در هر دو زمینه یکی از تولیدات معتبر کشور محسوب می‌شود. علت ورود وزارت دفاع در این حوزه چه بود؟ کیفیت تولیدات به لحاظ علمی و بین‌المللی در چه سطحی است و چه بخشی از نیازهای کشور را پوشش می‌دهد؟

دفاع بیولوژیک در کنار دفاع شیمیایی که از آنها به عنوان جنگ نوین در نیروهای مسلح یاد می‌شود همانند سایر عرصه‌های دفاع، دارای برنامه در نیروهای مسلح و وزارت دفاع است که بخشی از آن مربوط به تجهیزات و موادی است که برای این دفاع مورد نیاز است که در چارچوب معاهدات بین‌المللی و نیازهای دفاعی شکل گرفته‌اند. به محض اعلام شیوع ویروس کرونا در کشور که اوایل اسفندماه سال گذشته اتفاق افتاد، با توجه به اهمیت و حساسیتی که احساس می‌شد، همان روز اول امکانات و ظرفیت‌های موجود در وزارت دفاع برای مقابله با این بیماری و پیشگیری از شیوع آن مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت که شامل تغییر خطوط تولید موجود برای تولید نیازمندی‌های کشور و در اولویت اول، کادر درمانی بود که شامل مایع ضدعفونی، ماسک N۹۵ و لباس‌های محافظتی کادر درمانی و همچنین اقلام تخصصی شامل ونتیلاتور، دوربین‌های حرارت‌سنج و غیره بود. علاوه بر این، امکانات تحقیقاتی و آزمایشگاهی برای تولید کیت تشخیص کرونا نیز بسیج شد به طوری که در مدت کمتر از یک ماه نمونه اولیه آن ساخته شده بود، اما برای تأمین برخی الزامات مورد نظر وزارت بهداشت قدری با تأخیر ارائه شد. همزمان با این فعالیت‌ها و با همکاری وزارت بهداشت، تحقیقات تولید واکسن کرونا نیز پیگیری شده که نتایج خوبی تاکنون حاصل شده و امیدواریم بتوانیم بزودی خبرهای خوشی به مردم عزیزمان در این رابطه بدهیم.

■ جنگنده کوثر، به لحاظ ظاهری شباهت‌هایی با جنگنده اف۵ دارد، تفاوت این دو محصول دفاعی در چیست؟ چه بخش‌هایی از آن تولید داخل و معنا و پیامد دفاعی و نظامی آن برای جمهوری اسلامی ایران چیست؟

تصمیم برای ساخت یک جنگنده بومی چند دهه پیش گرفته شده و کارها نیز در ابتدا در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی آغاز شد. همانند بسیاری از پروژه‌های دیگر که پس از طی مراحل تحقیقاتی در نیروهای مسلح باید به صنعت دفاعی در وزارت دفاع انتقال یابد، این پروژه نیز به وزارت دفاع انتقال یافت و پس از تولید چند نمونه، در نهایت به هواپیمای جنگنده کوثر رسیدیم. انتخاب هواپیمای اف۵ به عنوان الگوی این هواپیما نیز بسیار هوشمندانه و مدبرانه بود. دلایل متعددی را برای آن می‌توان برشمرد که دلیل اقتصادی، مهم‌ترین آنهاست. جنگنده کوثر با وجود شباهت ظاهری به اف۵ یک هواپیمای کاملاً بومی است و تمامی اجزای آن به دست متخصصان داخلی ساخته شده و خط تولید آن نیز راه‌اندازی و امروز ۴ فروند از آنها در نهاجا عملیاتی است و پرواز می‌کنند. اما تفاوت اصلی با اف۵ در سامانه اویونیک (کمک ناوبری) آن است که بسیار پیشرفته‌تر و منطبق با فناوری‌های روز و نسل‌های بعدی جنگنده‌هاست. با تولید این جنگنده، متخصصان ما به دانش طراحی و ساخت هواپیمای جنگنده دست یافته‌اند و یکی از محصولات آن نیز جت آموزشی یاسین است که با پلتفرم کاملاً متفاوت و بومی به طور کامل در داخل طراحی و ساخته شده و قطعاً در سال‌های آینده شاهد معرفی جنگنده‌های پیشرفته‌تر و متفاوت خواهیم بود.

■ تولید جنگ‌افزارهای دفاعی، به معنای وجود یک زنجیره تولید شامل بخش‌های مختلف است. چه میزان از زنجیره تولید این صنایع بخش خصوصی را هم درگیر کرده و چه تأثیری بر اقتصاد این بخش از کشور داشته است؟

دفاع یک امر ملی و مردمی است و همین‌طوری که نیروهای مسلح در یک جنگ تمام عیار نیازمند بسیج مردمی (حال به هر عنوان که باشد) هستند و بدون آن برای مدت طولانی قادر به اداره نبرد و پیروزی نخواهند بود. صنعت دفاع به طریق اولی با توجه به وسعت و پیچیدگی که دارد، نیازمند بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های ملی است و همین راهبرد نیز در کشور ما اتخاذ شده و از زمان دفاع مقدس که دانشگاه‌ها و کارگاه‌های خصوصی برای تأمین نیازمندی‌های نیروهای مسلح به سلاح و تجهیزات به کمک آمدند این روند با یک ترتیب بهتر و سازماندهی شده‌تر ادامه یافته و عموماً بخش مهمی از قطعات و زیرساخت‌های محصولات صنایع دفاعی با درصدهای متفاوت توسط بخش خصوصی تأمین می‌شود، به طوری که امروز صنایع دفاعی ما با ۵ هزار و ۷۰۰ شرکت خصوصی طرف قرارداد است که ۶۵۵ شرکت شامل شرکت‌های دانش‌بنیان می‌شود. حجم همکاری با این شرکت‌ها ۱۳ هزار میلیارد تومان است، در حالی که ظرفیت بالقوه این همکاری حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. علاوه بر اشتغالی که ناشی از این فعالیت‌ها در کشور ایجاد شده است، فعالیت‌هایی که صنایع دفاعی در بخش غیر نظامی از سرریز فناوری‌ها و همچنین مازاد ظرفیت دارند به رونق تولید در کشور کمک کرده و حتی در حوزه صادرات محصولات و خدمات اعم از نظامی و غیرنظامی که امروز برای کشور یک ضرورت اساسی است، فعالیت خوبی داشتیم و داریم، به‌طوری که برخی سازمان‌های صنعتی ما به‌عنوان صادر کننده نمونه یا ممتاز در کشور معرفی می‌شوند.

■ در صورت لغو تحریم تسلیحاتی ایران در ماه‌های پیش رو، ورود ایران به بازار جهانی تسلیحات بیشتر به معنای خریدار خواهد بود یا فروشنده؟ چه خواهیم خرید و چه می‌توانیم بفروشیم؟

در شرایط امروز ما بیش از ۹۰ درصد نیازهای تسلیحاتی نیروهای مسلح را در داخل و به روش‌های بومی تأمین می‌کنیم و ۱۰ درصد باقیمانده نیز تأثیر تعیین کننده در بنیه دفاعی ما نخواهد داشت. بنابراین با برداشته شدن محدودیت‌ها می‌توانیم از این حق قانونی خود در تعامل با کشورهای دوست استفاده کنیم. اما در مقابل، ظرفیت‌های تولیدی و فنی بسیار خوبی در صنایع دفاعی کشور وجود دارد که می‌تواند در صادرات محصولات و خدمات مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین قطعاً ما بیش از اینکه در حوزه محصولات دفاعی وارد کننده باشیم، صادر کننده محصولات و خدمات فنی خواهیم بود و هم‌اکنون هم هستیم. ما در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱ صرفاً در صادرات تسلیحات محدودیت داشتیم در حالی که بسیاری از محصولات صنایع دفاعی به‌عنوان سلاح تعریف نمی‌شوند و منعی در صادرات آنها نداشتیم. قطعاً با رفع تحریم‌ها می‌توانیم در چارچوب سیاست‌ها و مقررات ملی و بین‌المللی همانند بسیاری دیگر از کشورها در بازارهای تسلیحاتی ورود پر رنگ‌تری داشته باشیم.

■ به تازگی فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا در ونزوئلا افتتاح شد. دلیل سیاسی و اقتصادی این تصمیم چیست؟ پیامد آن برای ونزوئلا و ایران چه خواهد بود؟ حجم فعالیت اتکا در این کشور چگونه است و انتقال کالاها و محصولات برای این فروشگاه چگونه صورت می‌گیرد؟

ایران و ونزوئلا هر دو کشورهای بسیار غنی و ثروتمندی هستند و می‌توانند بویژه در شرایط تحریم نیازهای همدیگر را تأمین کنند. فروشگاه مواد غذایی که از سوی سازمان اتکا در آن کشور راه‌اندازی شده، نمونه کوچکی از همکاری دوجانبه است که البته مورد توجه بیشتری در رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گرفته است. اتکا یک نهاد عمومی است و فعالیت‌های آن جنبه اقتصادی دارد. در تعاملاتی که با بخش خصوصی ونزوئلا داشته، توافقات مختلفی صورت گرفته که تأسیس یک فروشگاه بزرگ با همکاری بخش خصوصی دو کشور از آن جمله بوده که می‌تواند توسعه پیدا کند. اتکا از ظرفیت‌های بسیار خوب تولیدی و تجاری برخوردار است و شبکه توزیع آن با بهره‌گیری از فروشگاه‌های زنجیره‌ای که بیش از ۶۰۰ فروشگاه در کشور را شامل می‌شود، بسیار گسترده بوده و از تجربه چندین دهه‌ای در این رابطه برخوردار است که می‌تواند از آن در توسعه حضور در سایر کشورها با اهداف صادراتی اعم از صادرات محصول و خدمات بهره‌برداری کند. فروشگاه اتکا در ونزوئلا و فعالیت‌های صادراتی آن نخستین تجربه این سازمان در خارج از کشور نبود و از سال‌های گذشته تجربیات خوبی در این زمینه دارد و قطعاً در سال جهش تولید، به دنبال توسعه این فعالیت‌هاست. این همکاری یک همکاری عادی و دوطرفه است که بین کشورها وجود دارد و هیچ کار استثنایی هم در این رابطه صورت نگرفته است.

■ برخی رسانه‌های خارجی درباره موشک‌های کروز دریایی ایران شبهاتی را مطرح کرده و آن را ارتقا یافته نمونه‌های چینی یا روسی می‌دانند. پاسخ وزارت دفاع چیست؟

نه تنها موشک‌ها بلکه بسیاری از تسلیحات دیگر که در دنیا از سوی کشورهای مختلف تولید و به‌کار گرفته می‌شوند، شباهت‌هایی با هم دارند که این موضوع البته در مورد موشک‌ها مصداق بیشتری دارند. مهم نیست آن‌ها چه می‌گویند، واقعیت این است که امروز ما از موشک‌های کروز دریایی با برد بیش از هزار کیلومتر با توانایی‌های بالا بهره‌مندیم و می‌توانیم با دشمن از فاصله هزار کیلومتری مقابله مؤثر داشته باشیم و محدودیتی در ساخت و تکثیر این موشک‌ها نداریم.

■ از نظر صنایع موشکی، مانند موشک‌های برد بلند یا سامانه‌های ضدهوایی، امروز جمهوری اسلامی ایران در چه موقعیتی قرار دارد؟

قدرت موشکی ما از جمله مؤلفه‌های دفاعی تأثیرگذار است که دشمن به واسطه همین تأثیرگذاری نسبت به آن حساسیت دارد و در یک سال گذشته هم طعم آن را چشید. ده‌ها نفر سربازانش در اثر غرش این موشک‌ها در پایگاه عین‌الاسد دچار آسیب مغزی شدند!! بدون اینکه بتواند واکنشی درمقابل آنها نشان دهد. تصاویر ماهواره‌ای هم که خود غربی‌ها منتشر کردند نشان داد چگونه این موشک‌ها دقیق به اهداف اصابت کرده‌اند. ما در صنعت موشکی به یک بلوغ نسبی خوبی رسیده‌ایم و تمامی صنعت نیز بومی است. در زمینه برد نیز براساس نیاز و سیاست دفاعی جمهوری اسلامی، برد موشک‌ها را در ۲ هزار کیلومتر محدود کرده‌ایم. اکنون برنامه‌های ما بر افزایش کمیت تولید و ارتقای کیفیت آن‌ها بویژه مانورپذیری و تنوع موشک‌ها که پدافند دشمن را غافلگیر می‌کند، تمرکز دارد. در انواع موشک‌های سوخت مایع و سوخت جامد مبتنی بر نیازهای کمی و کیفی عمل کردیم و طبیعتاً هم این تلاش‌ها متوقف نخواهد شد. در مورد موشک‌های کروز که قدری با تأخیر زمانی نسبت به موشک‌های بالستیک توسعه و ساخت آن‌ها را شروع کرده‌ایم، درهمین مدت به نقطه خوبی رسیدیم. در ضد سطحی و دریایی به برد بیش از هزار کیلومتر، در زمینی به حدود ۱۴۰۰ کیلومتر و در هواپایه به برد ۲۲ کیلومتر رسیدیم که بزودی آن هم به بیش از هزار کیلومتر خواهد رسید.

■ رزمایش‌های نیروهای مسلح تابع چه اقتضائات و بررسی‌هایی است. عموماً جنبه آمادگی دارند یا ممکن است نوعی پاسخ به تحولات منطقه‌ای یا بین‌المللی هم باشند؟

رزمایش‌ها در دنیا با چند هدف اجرا می‌شوند که برخی از آن‌ها، یکی یا همه اهداف را می‌توانند دنبال کنند که شامل آموزش و تمرین‌های تاکتیکی، بکارگیری تسلیحات جدید و تطبیق تاکتیک‌ها با آن‌ها و قدرت نمایی با هدف بازدارندگی. بنابراین هم می‌توانند جنبه ارتقای آمادگی داشته باشند و هم به واکنش به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بستگی دارد و به شرایط و تعریفی که از رزمایش‌ها و اهداف آن در هر مرحله‌ای صورت می‌گیرد.

■ برخی اقدامات نظامی همچون پاسخ به ترور شهید سلیمانی و حمله به پایگاه امریکایی‌ها در عراق، یا حمله موشکی به مقر تروریست‌ها در سوریه و نمونه‌هایی از این دست، در چه سطحی تصمیم‌گیری می‌شود. آیا در این موارد با دولت یا مشخصاً وزارت دفاع هم هماهنگی می‌شود؟

در همه کشورها از جمله در جمهوری اسلامی ایران، نهادها و مقامات وظایف و اختیارات مشخصی دارند که مبتنی بر آن تصمیم‌گیری می‌کنند. در حوزه‌های امنیتی و راهبردی، بالاترین مقام تصمیم گیرنده فرماندهی معظم کل قوا هستند و دو بازوی اصلی تصمیم‌سازی در این باره شورای عالی امنیت ملی و ستاد کل نیروهای مسلح است که هرکدام در سطح خودشان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌کنند. البته براساس قانون اساسی مصوبات شورای عالی امنیت ملی که جلسات آن به ریاست رئیس جمهوری محترم برگزار می‌شود، پس از تأیید مقام معظم رهبری قابل اجرا است. وزیر دفاع هم نقش خود را از طریق عضویت در شورای عالی امنیت ملی در این تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کند.

■ برخی منتقدان، دولت روحانی را متهم به کم توجهی به حوزه دفاعی و نظامی می‌کنند. پاسخ شما به این منتقدان چیست؟ مشخصاً آیا اختصاص بودجه به حوزه دفاعی کمتر شده است؟

کارهایی که در حوزه دفاعی انجام می‌شود، کارهای ملی بزرگ، سنگین و پیچیده‌ای است، به طوری که برخی از کشورها با همدیگر پروژه‌های دفاعی را مشترکاً انجام می‌دهند یا بعضی اوقات پروژه‌ها در دولت‌های خیلی قبل شروع می‌شود و در دوره‌های بعدی به بهره‌برداری می‌رسد. لذا این کارهای بزرگ بدون اراده ملی قابلیت انجام ندارند. در کشور ما اقدام مهم دفاعی با حمایت بی دریغ فرمانده معظم کل قوا (مد ظله‌العالی) و استمرار مطالبه‌گری و پیگیری معظم‌له در کنار حمایت‌های دولت‌ها و مجالس روی می‌دهد. یکی از نقش‌های مهمی که دولت در این زمینه ایفا می‌کند، تأمین بودجه است. قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اختصاص ۵ درصد از بودجه عمومی کشور به بنیه دفاعی را مقرر کرده است که در قانون بودجه محقق شده. هرچند کسری در تخصیص بودجه همه بخش‌ها از جمله بخش دفاع اتفاق می‌افتد، اما در سال‌های گذشته تلاش شده برنامه‌های تجهیز نیروهای مسلح کامل اجرا شود و از جمله در سال ۹۸ میزان عملکرد سازمان‌های صنعتی در تولید و تحویل محصول به نیروهای مسلح ۱۱۸ درصد برنامه بوده است. نیروهای مسلح تدابیر و برنامه‌های خوبی برای حفظ و ارتقای توان رزم در شرایط مضیقه مالی هم دارند.

■ سیاست‌های دفاعی ایران در منطقه براساس چه ساز و کارهایی تدوین می‌شوند؟ اساساً سیاست ما دفاعی است یا تهاجمی؟ هدف راهبردی این سیاست‌ها چیست، بویژه وقتی داعش از میان رفته است؟

سیاست‌های دفاعی کشور ما همانند الگوهای مختلف سیاستگذاری مبتنی بر مؤلفه‌های مختلف است. از محیط شناسی و برآورد تهدیدات تا حل مسائل امنیتی و دفاعی کشور. برای این کار در کشور براساس قانون اساسی تقسیم کار شده است. سیاست‌های کلی دفاعی- امنیتی همانند سایر سیاست‌های کلی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و به حضور رهبر معظم انقلاب پیشنهاد می‌شود و پس از تصویب معظم‌له ابلاغ می‌شود. تدوین سیاست‌های دفاعی - امنیتی سطح بعدی، به عهده شورای عالی امنیت ملی است و سیاست‌های نظامی نیز توسط ستاد کل تدوین و ابلاغ می‌شود. هدف نهایی این سیاست‌ها دستیابی به دفاع اطمینان‌بخش است. اینکه گروهی به نام داعش در منطقه وجود دارد یا از بین می‌رود در سیاست‌های کلان دفاعی ما تأثیری نمی‌گذارد و اساساً موقعیت راهبردی کشور ما چالش‌هایی را تحمیل می‌کند که البته شامل تهدید و فرصت است و با اتخاذ راهبردهای مناسب باید از فرصت‌ها بهره‌برداری و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم که به حول و قوه الهی، تدبیر مقام معظم رهبری و پشتیبانی ملت که در حمایت‌های دولت و مجلس تجلی پیدا می‌کند و تلاش و فداکاری نیروهای مسلح، امروز به شرایط دفاع اطمینان‌بخش دست یافته‌ایم. دستیابی به این شرایط با کسب قابلیت‌های دفاع راهبردی امکان‌پذیر شده است.

■ رسانه‌ها و مقام‌های امریکایی سیاست‌های دفاعی منطقه‌ای ایران را صرفاً به حمایت از گروه‌های مقاومت تقلیل می‌دهند، ضمن اینکه مدعی هستند با تحریم‌ها، حمایت ایران از این گروه‌ها کاسته شده است، در حالی که امروز ایران در سوریه حضوری پررنگ داشته و حتی قرارداد سامانه‌های پدافندی این کشور را نیز ارتقا دهد. پاسخ شما چیست؟

امپراطوری رسانه‌ای تلاش کرده‌اند واقعیت‌های موجود را تحریف کنند. تقلیل توانمندی و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران صرفاً به حمایت از گروه‌های مقاومت نگاه کاملاً تقلیل‌گرایانه است. تعریف ما از مقاومت، بسیار بلند و متعالی است لذا ما همیشه تعبیرمان جبهه مقاومت است و این جبهه مرز جغرافیایی نمی‌شناسد. بدین طریق جمهوری اسلامی ایران کمک به مقاومت را فقط در حمایت از گروه‌های مقاومت نمی‌داند، بلکه موضوعات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز از ابعاد مقاومت مورد تعریف ما هستند. با این نگاه همیشه جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته است که جبهه مقاومت بتواند مستقل و سرپای خودش بایستد. در این سال‌ها با استفاده از تجربه چهل سال مقاومت در برابر هجمه غیرقابل توصیف و بی‌شمار جبهه استکبار، تلاش شده است عناصر جبهه مقاومت از ابعاد مختلف قدرتمند و قوی، خودکفا و خوداتکا شوند. بنابراین تحریم جمهوری اسلامی ایران کم‌ترین آسیب را به نیروهای مقاومت وارد کرده است. این تحلیل غلط دشمن بود که فکر می‌کردند با تحریم ایران محور مقاومت دچار افول می‌شود اما نمی‌دانستند که جبهه مقاومت پیشرفت متوازن داشته و در همه ابعاد قدرتمندتر شده است.